



سال سوم، شماره ۹۱  
سه شنبه ۳۰ تیرماه ۱۳۶۰  
به شماره ۱۰ رسال

سه بار در هفته منتشر میشود

# رهگائی

## ویژه مبارزات توده‌ای

### نشریه سازمان وحدت کمونیستی

## کاندیداهای ریاست جمهوری و جناح بندیهای حزب جمهوری



دور افتاده برای تشویق "مردم" به شرکت در انتخابات و تعیین روز انتخابات برای (دوم مرداد ماه) یکروز بعد از ۲۱ رمضان و زمزمه‌ی تقلیل حدتصاب سن رای دهندگان از ۱۶ سال به ۱۵ سال، نشان میدهد که حاکمیت برای رعایت ظاهر یکا انتخابات "آزاد" و بدست آوردن آراء به چه حربه‌هایی متوسل میشود. حاکمیت با تکیه بر عقب ماندگی موجود در روستاها و همچنین بهره برداری از احساسات مذهبی مردم در ایام سوگواری ماه رمضان و کثافتدن ۱۵ ساله‌ها به پای میز انتخابات میخواهد هر چه بیشتر، سیاهی لنگر برای اجرای سناریویی که نهایت آن بقیه در صفحه ۲

با تعیین ملاحظیات کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری از جانب شورای نگهبان، مفسکعی انتخابات ریاست جمهوری وارد مرحله‌ی جدیدی شده است. از هم اکنون روشن است که شاهین طیف مقام ریاست جمهوری بر روی شانه‌های بیخوارهی محمدعلی رجایی خواهد نشست. اولین نخست وزیر مکتبی ایران بعنوان اولین رئیس جمهور مکتبی جهان بر کرسی لرزان ریاست جمهوری اسلامی ایران تکیه خواهد زد و بخت برگشته‌ی خود را در این مقام خواهد آزمود. و از این پس بجای بنی صدر عد در مد ما با رجایی عد در مد مواجه خواهیم بود. اما با اینکه از هم اکنون نتیجه‌ی انتخابات کم و بیش روشن است، از ورای حرکات رژیم میتوان اهداف و عملکرد کل رژیم در این جریان و سیاست جناحیند بهای مختلف درون حزب جمهوری اسلامی را مشاهده نمود.

رژیم در مرحله‌ی اول خواهان آنست که رئیس جمهور جدید، پیش از یازده میلهون - تعده آراء بنی صدر- رای آورد. هر چند هر کس در صندوق آراء بنی اوراق چاپی و مهره‌های وزارت کشور بسادگی میسر است و رژیم میتواند از هم اکنون به شمارش آراء از قبل تعیین شده بپردازد، اما حفظ ظاهر و ادامه‌ی نمایش حضور در صحنه‌ی مردم، نه فقط بعنوان فوت قلب برای گردانندگان رژیم مهم است بلکه از نظر داخلی و خارجی "قانونیت" بیشتری به مقام ریاست جمهوری و از آنجا به کل جمهوری اسلامی خواهد بخشید. سخنان خمینی پیرامون انتخاب ریاست جمهوری، مکلف کردن هر انسان بالغ و وظیفه‌ی شرمی قلمداد کردن شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و همچنین دستور صریح وی مبنی بر فرستادن نامه‌های حوزه‌های علمیه به روستاهای

### در صفحات دیگر:

- \* تحریر الوسیله
- \* وسیله‌ای در خدمت نلی کسامل
- \* موجسوویت انسانسی زن
- \* اسناد بنشهاد مستظفان
- \* اخبار

کاندیداهای...

از پیش تعیین شده است، فراهم کند و از تکرار انتخابات میان دوره‌ای مجلس جلوگیری کند.

اما اگر کل حاکمیت در این امر همداستان است، و جلسه‌ی هفتم تیرماه مسئولین مملکتی در مقر حزب جمهوری اسلامی بدین منظور برگزار گردید تا هماهنگی لازم برای دست یافتن به این امر را فراهم آورد، جناحهای موجود در درون حزب جمهوری اسلامی که اینک بیکه‌تاز میدان سیاسی است، در مورد مسأله‌ی انتخاب شخص رئیس‌جمهور و بالطبع پس از آن نخست‌وزیر آینده و کابینه‌ی آینده نزاع جدیدی را آغاز نموده‌اند. این نزاع جدید بیش از آنکه اهمیت تعیین کننده در انتخاب شخص رئیس‌جمهور مکتبی داشته باشد، که با توجه به قوانین موجود صرفاً یک مقام تشریفاتی است - در پیامدهایی دارد که این انتخاب بدینال خواهد داشت. هنگام رای گیری بر سر انتخاب موسوی به سمت وزیر خارجه در مجلس، باید آیت و پرورش از جمله‌ی مخالفین بودند و با آنکه هر دو در شورای عالی حزب جمهوری اسلامی عضویت دارند، انتخاب سردبیر روزنامه‌ی حزبی خود را بعنوان وزیر امور خارجه رد کردند. این مخالفت بر سر ادامه‌ی بحث بودجه‌ی کل کشور به نفعی با رزتری خود را، میثما پانده. آیت رهبری جمله به بودجه‌ی پیشنهادی از جانب دولت مکتبی را بعهده میگیرد و از ترمیمون مجلس تلو بجا

هنگام رای گیری خود را بعنوان درد مخاطب فرار میدهد. و سپس و غیره آنکه کاندیدای حزب جمهوری اسلامی برای ریاست جمهوری، رجایی است، پرورش نیز خود را برای این مقام کاندید میکند. بنظر میرسد که کاندید شدن پرورش (که یکبار در نامه به ناجی فرمانده ار نظامی شاه در اصفهان در سال ۵۷ مراتب شاهدوستی خود را، اعلام کرده است) برای ریاست جمهوری بیش از آنکه جنبه‌ی واقعی داشته باشد، فشاری است از جانب جناح آیت - پرورش، برای کسب امتیازات بعدی و احتمالاً دو تعیین نخست‌وزیر آینده. مسلم است که پرورش شانس واقعی برای انتخاب شدن ندارد و احتمالاً با نزدیکتر شدن موعد انتخابات، بنفع رجایی کنار خواهد رفت. چون بودن وی در لیست انتخاباتی چیزی جز شکستن آرا رجایی را بدستال نخواهد داشت. با اینحال کاندید شدن وی در تریابط فعلی را نباید صرفاً بهای جاه طلبی او گذاشت. او امروز به میدان میاید تا زمینه را برای برنامه‌های آتی فراهم کند.

اما علاوه بر پرورش و رجایی، سیاسی شیبانی و حبیب‌الله عسکراولادی نیز جز کاندیدها هستند. صرفنظر از سوابق هر کدام از این کاندیدها حبیب‌الله عسکراولادی (که هنوز توبه‌نامه‌ی کتبی او در پایگانی اسناد ملی موجود و از بازیگران پرمناقبی

شوهای ثابتی بوده است) و شیبانی (که سابقه‌ی فعالیتش به نهفت آزادی برمیگردد)، هر دو در لحظه‌ی فعلی از اعطای مهم حزب جمهوری اسلامی بیخبر میروند. صوفنظر از آنکه هر یک دلبهل شرکت خود در انتخابات را چه قلمداد کنند، آنرا یک فرضیه دینی بمانند و بجا بدان همچون وسیله‌ای برای مطرح کردن خود در جامعه بنگرند. اینکه بهرحال چهار کمنصر وابسته و یا پیوسته به یک حزب، کاندید ریاست جمهوری میشوند، آنهم در انتخاباتی که نتیجه‌ی آن از پیش روشن است، جای شکسی را باقی نمیگذارد که دستبندیهای درون حزبی رو به توسعه است. اینکه شیبانی نماینده‌ی چه جناحی است و با از جانب کدام جناح پشتیبانی میشود، روشن نیست. اما آیا سابقه‌ی نهفت آزادی بودن وی خلالت برسر آن ندارد که جناح "معتدل" تری در حزب بوجود آمده است که میخواهد از هم اکنون ظاهر حساب خود را با جناحی که از رجایی پشتیبانی میکند جدا کند؟ عسکراولادی دارای سوابق رابطی نزدیک با حزب ملل اسلامی است. آیا جناح حزب ملل اسلامی - فدائیان اسلام - تمبخواهند با کاندید کردن وی، در کابینه‌ی بعدی بست مهمی را بخود اختصاص دهند؟ رو در روسی پرورش و رجایی آیا نشان از آن ندارد که جناح بندیهای بین المللی در درون حزب واحد از درون رو به تثبیت میروند؟ آیا اینها همه نشان از آن ندارد که در میان بالایی ها، طوفان نارفا پتی مردم انعکاسی شدید یافته است و آنچه که امروز میگذرد صرفاً پیش در آمدی است بر ادامه‌ی نزاع بین حاکمیت در شکل و ابعاد جدید؟

بنظر میرسد که تشکیل و با تکمیل جناح بندیهای درون حزب حاکم، اجتناب ناپذیر باشد. در ماندگی حزب و حاکمیت در خاتمه دادن به بحران فلیکتار اقتصادی و سیاسی جامعه، عدم توانایی در مقابله با سازمانهای مترقی و انقلابی که ترورها و اعدامهای روزانه یکی از وجوه بارز آن است، و هم چنین طمبندی های بین المللی جدیدی که بعد از انتخاب رویگان و ممبران در منطقه و جهان در حال تکوین است، در تریابط ادامه‌ی جنگ با عراق و عدم امکان حاکمیت برای راهیابی مشکلات روزافزون اجتماعی مردم، از جمله دزلیلی هستند که وجود این جناحین را به حاکمیت دیکته میکند. اما علمبرغم آن، جناح حاکمیت در بندیهای گذشته در حاکمیت نشان داد حاکمیت در بر خوردش به انقلابیون و نیروهای مترقی از وحدتی خلل ناپذیر برخوردار است و هر جا که منافع کل حاکمیت بخاطر افند رقبای دیروز و امروز، به دوستان متعدد، وفادار و همیشه تبدیل خواهند شد و همه با تمام توان بر علیه نیروهای انقلاب بیدار خواهند آمد. ارتجاع، در مقابل دشمن خود، صد واحدی را دارد اما نیروهای انقلابی و مترقی چه؟ آیا آنها نیز صف واحدی را خواهند داشت؟ آینده‌ی سیاسی ایران، جواب به سئوالات فوق را روشن خواهد کرد.